

طرح‌ها و ابتکارات استاد شهید در مدت کوتاه اقامت در ایران

فاضل سانچارکی

نحوی می‌خواست بماند تا زمانی که جایگاه نماینده ولی فقیه در حزب وحدت معلوم نشود اجازه نخواهد که این حزب به صورت رسمی اعلان شود. اما استاد مزاری با او با درستی برخورد کرد و گفت که حزب وحدت خودش علمای جید و برجسته‌ای دارد، راه خود را می‌تواند پیدا کند و ضرورت به نماینده ولی فقیه از یک کشور دیگر ندارد.

سرانجام، آقای ابراهیمی نتوانست حریف استاد مزاری شود، حزب وحدت با قاطعیت و سرسختی اورسمیت یافت. من که در آن زمان در رادیو دری مشهد کار می‌کردم می‌کوشیدم اخبار تشکیل حزب وحدت اسلامی و استقبال و حمایت گسترده‌ی اقشار مختلف مردم از این حزب را در قالب اخبار و گزارش و مصاحبه انعکاس دهم، اما به امر و هدایت آقای ابراهیمی به مدیران رادیو نشر اخبار حزب وحدت از رادیو ممنوع شده بود و با وجود سفارش‌های استاد شهید مبنی بر نشر منظم اخبار

به نظرم در سال ۱۳۶۹ هجری شمسی بود که استاد شهید عبدالعلی مزاری در رأس هیأتی به جمهوری اسلامی ایران آمدند تا حزب وحدت اسلامی را که یک سال پیش از آن در مرکز بامیان تشکیل شده بود، به جای ائتلاف هشتگانه گروه‌های شیعی رسمیت ببخشند.

در ایران موانعی بر سر راه اعلان رسمی این حزب وجود داشت که یکی از مهمترین آن، وجود یک شیخ به نام حجت الاسلام حسین ابراهیمی به عنوان نماینده ولی فقیه بود که در بین اعضای شورای ائتلاف، نقش خیلی ممتاز و بارزی داشت و می‌ترسید با تشکیل حزب وحدت، این جایگاه و موقعیت را از دست بدهد. مخصوصاً که مرکزیت حزب در داخل قرار داشت و دست او از هرگونه دخالت و نفوذ در آن کوتاه شده بود. به همین خاطر او مانع تراشی بسیاری کرد و بر سر راه اعلان رسمی حزب وحدت سنگ‌ها انداخت. به

حزب وحدت از رادیو، من با مشکل مواجه شدم و جز اخبار کوتاهی قادر به نشر مصاحبه‌ها و گزارش‌های تفصیلی درباره حزب نشدم تا این که دیوار ابرهیمی فرو ریخت و راه برای نشر مصاحبه‌ها و گزارش‌های تفصیلی از طریق رادیو باز شد.

یادم می‌آید استاد شهید مزاری به من سفارش کرد که با اعضای شورای مرکزی حرکت اسلامی در حمایت از تشکیل حزب وحدت اسلامی مصاحبه‌های گرفته از رادیو نشر کنم، چرا که در داخل برای هواداران حرکت اسلامی خیلی تأثیر دارد. من اعضای شورای مرکزی حزب حرکت اسلامی را هر جا می‌یافتم برای مصاحبه تحت فشار می‌گذاشتم، اما آنان در داخل خود دچار مشکل شده بودند و با خشم مرحوم آیت الله محسنی مواجه بودند؛ اما سرانجام آقایان سید هادی بهسودی، فیاض ارزگانی و یکی دوتن دیگر حاضر به گفت‌وگو و حمایت از تشکیل حزب وحدت شدند.

در مدتی که استاد شهید در ایران اقامت داشت، به غیر از فعال‌سازی دفاتر حزب وحدت در شهرهای بزرگ ایران، جلب و جذب نیروها و توسعه پایه‌های تشکیلاتی و مردمی این حزب، به یک سلسله اقدامات و ابتکارات دیگری هم دست زد که نشان از ذهن مبتکر، هدفمندی و افق دید بلند ایشان می‌کرد. او مانند کسی که در صدد آمادگی برای ایجاد یک نظام و سیستم سیاسی باشد، به چنین ابتکاراتی روی آورده بود. در این جا به گونه فشرده چند مورد از این اقدامات را که در حافظه‌ام مانده است ذکر می‌کنم، امیدوارم کسانی که در آن زمان در این اقدامات و ابتکارات استاد شهید دخیل بودند تفصیل بیشتر آن را بنویسند تا در تاریخ بماند.

تشکیل بورد تدوین کتب آموزشی

یکی از این اقدامات تشکیل بُوردی متشکل از شخصیت‌های صاحب‌نظر در امور آموزش و

پرورش برای تدوین کتب درسی معارف از صنف اول ابتدایی تا لیسه بود. در این بورد، حاج کاظم یزدانی مسئولیت نوشتن مضامین تاریخی را بر عهده گرفت و علما و صاحب‌نظران دیگر مضامین دیگر را. دفتر این بورد مشهود بود. محمد سجادی مرا به عنوان ویراستار پیشنهاد کرد که استاد شهید بلافاصله به من گفت این مسئولیت با خودت باشد.

مسئول این بورد یکی از دوستان هراتی به نام «انجنیر یعقوبی» بود که چند روز بعد مورد انتقاد همکارانش قرار گرفت و اتهاماتی مبنی بر حیف و میل بیت‌المال بر او وارد کردند که نهایتاً با صحبت و گفت‌وگو حل شد.

مجتمع عالی آموزشی شهید بلخی

تأسیس مجتمع عالی آموزشی علامه شهید سیداسماعیل بلخی در قم یکی دیگر از این ابتکارات بود. این دانشگاه نقش برجسته‌ای در آموزش طلاب جوان و محصلان افغانستانی داشت و یک روند تربیت کدرها و نیروی‌های علمی روی دست گرفته شد. فارغان این دانشگاه بعدها در مقامات اداری و دیپلماتیک کشور به شغل‌های آبرومندی دست یافتند و بعضاً آثار و کتب خوبی به نگارش درآوردند.

تعداد زیادی از طلاب و علما را می‌شناختم که کتاب‌های قطور حوزه را سال‌ها زیر بغل داشتند، اما چیزی سرشان نمی‌شد؛ اما با یک دوره آموزش کامل در این دانشگاه، حقوق‌دان و دارای دانش و تخصص در رشته‌های علمی دیگر شدند.

گذاشتن برخی نیروها در رسانه‌های ایرانی

استاد شهید مزاری با وجود مصروفیت‌های جبهه و سنگر و تلاش برای ایجاد اجماع و اتحاد میان احزاب و گروه‌های جهادی، از نقش رسانه نیز به خوبی آگاه بود و می‌کوشید در رسانه‌های جمهوری اسلامی ایران نیز تا حدودی نفوذ داشته و روایت خودش را در قالب خبر، گزارش و تحلیل از

گزینش و دسته‌بندی اخبار و یا تهیه گزارش‌ها و تبصره‌های دل‌خواه نداشتیم و هر تبصره و گزارش با دقت کنترل می‌شد. اما پسان‌تر آقای مهدی مسگری از جناح اصلاح طلب ایران به عنوان مدیر رادیو مقرر شد که دست ما را کاملاً باز گذاشت و به همین خاطر برنامه‌های متنوعی در رادیو دری راه اندازی شد. مسگری به استاد شهید علاقه داشت و چند بار در مهمانی‌های مردمی ایشان حضور یافت و دوبار هم در منزل ما با وی در مورد سیاست‌های یک بام و دوهوای جمهوری اسلامی در قبال مردم افغانستان به تندی و پرخاش سخن زد که مسگری با حوصله و شکیبایی شنید. مهدی مسگری می‌گفت من درد و احساس آقای مزاری را می‌فهمم، اما در موقعیتی نیستم که بتوانم کاری انجام دهم.

تلاش برای تأسیس رادیو

در یک مقطع، استاد مزاری علاقه‌مند شد که یک ایستگاه رادیویی در ایران تأسیس کند و به نشر اخبار و رویدادهای افغانستان بپردازد.

شبی استاد در منزل ما همراه پدرم که از سابق آشنایی داشت تا دیروقت قصه کردند، در مورد عزمش برای تأسیس رادیو سخن زد و گفت: حاج‌آقا! مسئولیت رادیو را به فاضل می‌دهم که تجربه دارد و با فوت‌وفن کار آن آشنا شده است.

پیشنهاد رادیو طی مراحل شد و کارهایش تا حدودی پیش رفت. وزیر مخابرات ایران به نام مهندس غرضی که در زندان شاه با آقای مزاری آشنا شده بود، با تأسیس رادیو موافقت کرد؛ اما وقتی پرونده به رییس صدا و سیما (محمد هاشمی برادر هاشمی رفسنجانی) رسید، پرونده را بایگانی کرد. او گفته بود تا من رییس صدا و سیما هستم، هیچ‌گاه آتن را به دست یک خارجی نمی‌دهم. در نتیجه کار رادیو به جایی نرسید.

اوضاع افغانستان ارائه‌کننده. با توجه به خوش‌بینی و نظر مساعدی که گردانندگان رسانه‌های دولتی ایران نسبت به جهاد افغانستان و شخص استاد شهید داشتند، زمینه برای این کار فراهم بود.

از قضا روزنامه جمهوری اسلامی به مسئولیت مسیح مهاجر از نزدیکان رهبری ایران با درک نیت استاد شهید از وی درخواست کرد که دو تن از تحصیل‌کردگان قلم به‌دست افغانستانی را به این روزنامه معرفی کند تا اخبار و گزارش‌های افغانستان را مرور و هنگام نیاز، تبصره‌هایی راجع به اوضاع افغانستان در این روزنامه بنویسند. استاد مزاری شهید سید محمد سجادی و محمدالله حیدری را معرفی کرد که هر دو در تهران مشغول تحصیل در دانشگاه بودند. در جریان روزها و هفته‌ها اینان گاه تبصره‌ها و تحلیل‌هایی در روزنامه جمهوری اسلامی می‌نوشتند. شهید محمد سجادی اما زیاد دوام نکرد و از برخی سفارش‌های مسئولان روزنامه خوشش نیامد و رها کرد؛ ولی محمدالله حیدری مدت بیشتری با این روزنامه همکاری بود و در آن مطالب و مضامینی با ماه‌های همسو با روایت حزب وحدت می‌نوشت. کمی پیشتر از آن، من نیز با وساطت دوستم «امید بامیانی» در یک امتحان رادیو دری مشهد شرکت کردم و قبول شدم و با نامه تأییدی و تضمینی «سازمان نصر» به‌حیث کارمند در این رادیو استخدام شدم.

استاد شهید از این موفقیت من استقبال و در نامه‌ای تشویق کرد و یک موتورسکلت هند را برای رفت و آمد من به رادیو از مجله حبل‌الله گرفته به من داد و تأکید کرد که برای انعکاس دردها و مشکلات مردم از طریق این رادیو کوشش کنم.

رادیو دری در آن سال‌ها در افغانستان شنونده فراوان داشت. مدیر این رادیو در اول آقای محتشمی بود که یک انسان خیلی منظم، دقیق و باتدبیر و در عین زمان بسیار محتاط بود و گزارش‌ها را بسیار دقیق چک و کنترل می‌کرد. من و همکارانم هیچ صلاحیتی در

کتاب و کتابخانه

یکی از کارهای دیگر استاد مزاری دستور ایشان در مورد خریداری کتاب بود. او به من سفارش کرد که مطابق نیاز داخل در زمینه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، ادبی، تاریخی، اقتصادی، علمی و آموزشی، تا می‌توانم از بازار، کتاب بخرم.

استاد مزاری می‌خواست این کتاب‌ها را با خود انتقال دهد و همین کار را هم کرد. سیدعلی علوی شهید و حاجی علی میرزایی دستیاران استاد یک خریطه در دست داشتند که داخل آن پر از پول بود. هرگاه من رسیدم خرید را به ایشان می‌دادم، از داخل این خریطه به من پول می‌دادند. من هر روز به کتابفروشی‌های شهر می‌رفتم و کتاب‌هایی را در موضوعات تاریخ، فلسفه، سیاست، سرگذشت، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد، مدیریت و خلاصه هرچه که به نظرم جالب می‌آمد، می‌خریدم و با خود نزد استاد مزاری می‌آوردم. او بعضی کتاب‌ها را توروک می‌کرد و برخی دیگر را با یک نگاه به کناری می‌گذاشت. یادم هست کتاب خاطرات «شارل دوگل» را با دقت ورق زد و فهرست آن را از نظر گذرانید.

تدوین قانون اساسی

اقدام دیگر استاد مزاری ایجاد یک مورد تخصصی برای تدوین قانون اساسی افغانستان بود. مسئولیت این مورد را آقای «محقق نسب» که گفته می‌شد دانش حقوقی و تجربه کار در این زمینه را دارد، به عهده گرفت و شهید سید محمد سجادی که او هم دانشجوی رشته حقوق اساسی بود و چند تن دیگر عضویت آن را داشتند.

آقای سجادی هر روز از درخواست‌های تدارکاتی محقق نسب سخن می‌زد و می‌گفت این بزرگوار بیش از آنکه کار کند، بودجه و امکانات طلب دارد. من دیگر خجالت می‌کشم از استاد مزاری برای او پول و امکانات طلب کنم. ظاهراً آقای محقق نسب فرصت را مساعد یافته و می‌خواست به بهانه تدوین

قانون اساسی دفتر مجهزی برای خود ایجاد کند! به هر حال، آقای محقق نسب مدت‌ها در قالب مورد، مصروف نوشتن قانون اساسی افغانستان بود، اما این که این قانون آیا همان «قانون اساسی نظام فدرال در افغانستان بود» که بعدها آقای محقق نسب به نام خودش در شهر قم چاپ کرد یا چیزی متفاوت با آن، دقیقاً معلوم نیست. من تاجایی که به خاطر می‌آورم حزب وحدت اسلامی و شخص استاد شهید در آن زمان در موقف‌گیری‌های و اظهارات و خطابه‌های‌شان گاهی به صورت کلی از نظام فدرال سخن می‌گفتند، اما قانون اساسی که حاوی چنین دیدگاه و طرحی باشد در آن زمان به صورت رسمی و عمومی از سوی حزب نشر نشد. علت عدم انتشار قانون اساسی حاوی مفهوم و معنای نظام فدرال را در این جا از زبان دو تن از آگاهان این موضوع ذکر می‌کنم تا واقعیت ایضاح یابد.

من کتبا از جناب محقق نسب در این مورد که آیا قانون اساسی که قرار بود در قالب مورد تخصصی بنویسید و تحویل استاد شهید بدهید حاوی نظام فدرال بود یا نه و چه بر سر آن آمد و چرا به صورت رسمی از جانب حزب انتشار نیافت؟ آقای محقق نسب در پاسخ من چنین نگاه‌شده‌اند:

«در سال ۱۳۶۹ پس از توافق با جناب شهید مزاری که پیش‌نویس قانون اساسی نظام فدرال نوشته شود، من با آقای شهید سجادی تماس گرفتم. سجادی در دانشگاه تهران مشغول تحصیل بود، یکی، دو جلسه باهم گذاشتیم و مقدمه پیش‌نویس را آماده کردیم، اما برای ادامه، ایشان وقت پیدا نکرد و من به تنهایی پیش‌نویس را نوشتم و به جناب شهید مزاری دادم.

محقق نسب افزوده است: «در آغاز سال ۱۳۷۰ خورشیدی من یک نسخه را به ایشان دادم که با خودشان بردند به بامیان و با شورای مرکزی حزب وحدت به توافق رسیدند. از آنجا که نظام فدرالی خیلی ناشناخته بود و علما نیز شدیداً حکومت

به مرکزیت شهر جلال آباد و ایالت کابل به مرکزیت شهر کابل. این طرح قانون را وقتی به دقت مطالعه کنید می‌بینید که واقعا درباره آن هم از نگاه شکلیات و هم از نگاه محتوا کار زیاد صورت گرفته است و از متن آن پیدا است که از نگاه ادبیات و چینش مواد از همه قوانین اساسی قبلی افغانستان هم استفاده صورت گرفته و جمعی از صاحب نظران و متخصصین در کابل در مورد آن کار کرده بودند»

به گفته استاد دانش «این طرح را استاد شهید در اواخر همان سال ۷۲ به من در ایران فرستاد با این پیغام که درباره این طرح بیشتر کار کنید و نظر حقوقدانان و فرهنگیان و علما و دانشگاهیان را بگیرید تا پخته‌تر شود و سپس دوباره به کابل بفرستید و این تنها نسخه‌ای از این طرح بود که به خارج انتقال گردیده و از نابودی نجات یافت.»

استاد دانش در مورد این که چرا این قانون به صورت رسمی از طرف حزب وحدت نشر نشد می‌گوید که به دو دلیل، یکی به خاطر رأی زنی‌های بیشتر با متخصصین و کارشناسان با هدف پخته‌تر ساختن و غنامند ساختن آن و دیگر سیل حوادث و رخداد‌های سنگینی که در کشور در حال وقوع بود و هرگونه مجال و فرصت را از مسئولان حزب سلب کرده بود. هر چند شخص استاد مزاری در تمام مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های خود در کابل در سال‌های ۷۲ و ۷۳ به تکرار سیستم فدرالی و مزایای آن را مطرح کرد.

به این ترتیب می‌بینیم که بر خلاف نظر جناب محقق نسب، طرح ایشان در زمینه قانون اساسی نظام فدرال افغانستان از پختگی و کمال لازم برخوردار نبوده و در کابل روی آن کار بیشتر و دقیق‌تری صورت گرفته و با برخی تغییرات بنیادین جهت غنامندی بیشتر به ایران فرستاده شده است، اما به عللی که جناب دانش ذکر کرده‌اند فرصت نشر رسمی نیافته است.

اسلامی بدون یک کلمه کم یا زیاد می‌خواستند، خودشان جرات نکردند که طرح نظام فدرال را از طرف حزب وحدت عنوان کنند. بدین لحاظ، با جنرال دوستم به توافق رسیدند و آقای دوستم از طرف جنبش اسلامی اعلام کرد.»

ایشان می‌افزایند: من خودم در سال ۱۳۷۰ این پیش‌نویس را با هزینه خودم چاپ کردم. چون در آن زمان کامپیوتر نبود، با ماشین تحریر حرف‌چینی کردم. از این نظر هیچ نسخه نرم افزاری ندارم و فقط جلدش مانده که خدمت شما می‌فرستم. حالا نظام فدرالی طرفداران بسیار پیدا کرده است، ولی زمانی که من نوشتم، علمای حوزه شدیداً اعتراض کردند که نظام فرنگی را آورده!

استاد سرور دانش معاون پیشین ریاست جمهوری که در سال‌های ۶۸ تا ۷۳ مسئولیت امور نشرات حزب وحدت اسلامی در ایران را بر عهده داشت، در مورد چند و چون این قانون شرح دیگری ارائه کرده است:

ایشان در مصاحبه‌ای که آژانس بین‌المللی کوکچه در اپریل ۲۰۲۱ آن را نشر کرده می‌گوید: «در سال ۱۳۷۲ در کابل با هدایت استاد مزاری و زیر نظر ایشان، مسوده «قانون اساسی جمهوری فدرال اسلامی افغانستان» از نو و به صورت کاملاً متفاوت از آنچه آقای محقق نسب کار کرده بود، تهیه شد. تدوین این مسوده در کابل همزمان بود با طرح قانون اساسی دولت استاد ربانی که به نام «اصول اساسی جدید افغانستان» در سال ۷۲ تهیه شده بود، ولی به تصویب نهایی نرسید.

«طرح قانون اساسی فدرال حزب وحدت دارای ۱۶ فصل و ۱۹۳ ماده است و یک ضمیمه به نام قانون اساسی ایالت فدرال با خود دارد در ۸۰ ماده. در این طرح افغانستان به شش ایالت تقسیم شده است: ایالت غرjestان به مرکزیت شهر بامیان، ایالت بلخ به مرکزیت شهر مزار شریف، ایالت هرات به مرکزیت شهر هرات، ایالت کندهار به مرکزیت شهر کندهار، ایالت ننگرهار